



اولیای خدا نه تنها می‌توانند ازل و ابد و حتی مکان را ببینند، بلکه می‌توانند مکان را در نوردند

ابراهیمی دینانی در سایت شخصی خود نوشت: کسی که چشم شهودش بینا باشد....

به گزارش خبرگزاری مهر، ابراهیمی دینانی در سایت شخصی خود درباره ازل تا ابد نوشت: لحظه‌های زمان هم با هم یکسان هستند و اگر آن‌ها را به لحظه‌هایی تقسیم کنید با هم برابر هستند. گاهی ما زمان را با زمانیات می‌سنجیم و اندازه می‌گیریم، مانند اینکه امکان را با مکانیات اندازه بگیریم. مکان بما هو مکان یکسان است اما ارزش آن به مکین است و آن چیزی که در این مکان قرار دارد آن را مقدس می‌سازد.

زمان نیز همین‌طور است و آیا زمانی افضل بر زمان دیگر است؟ یا آنچه در این زمان اتفاق می‌افتد، بالاتر از چیزهای دیگر است؟ به عبارت دیگر آیا زمان را با زمانیات می‌سنجیم؟ یا زمانیات را با زمان می‌سنجیم؟ و آیا مکان را با ما فی‌المکان و مکانیات می‌سنجیم؟ یا مکانیات را با مکان می‌سنجیم؟

زمان و زمانیات و همچنین مکان و مکانیات از یکدیگر جدا نیستند. در ذهن می‌توان زمان و زمانی و مکان و مکانی را از هم جدا کرد، اما در نفس الامر، این‌ها جدا از یکدیگر نیستند. ثانیاً ما یک زمان کثیف داریم، یک زمان لطیف و یک زمان الطف. این تقسیم‌بندی قاضی سعید قمی است. البته قدما هم این را گفته‌اند اما تفسیر آن در شرح کتاب توحید شیخ صدوق قاضی سعید قمی آمده است. عرفای دیگر، زمان را به آفاقی و انفسی تقسیم بندی کرده‌اند.

زمان کششی بی‌آغاز و انجام است که به لحظه‌ها تقسیم می‌شود. اما گاهی ممکن است که همه زمان در یک لحظه تجلی بیابد. توضیح این مسأله شاید با مثالی آسان‌تر بشود. انسان وقتی که می‌خوابد و خواب می‌بیند، فکر می‌کند که ده سال به سفر رفته و شرح وقایعی که در این پنج دقیقه برای او اتفاق افتاده است، به اندازه یک کتاب بشود، اما او خوابی پنج دقیقه‌ای دیده است که برای او به اندازه صد سال طول کشیده است.

بر عکس ممکن است ۳۰۰ یا ۴۰۰ سال بخوابد و وقتی بیدار می‌شود، به نظرش برسد که چند دقیقه خوابیده است. همان‌طوری که برای اصحاب کهف اتفاق افتاد. اصحاب کهف که چند قرن خوابیده بودند، بیدار شدند و گفتند که برویم غذایی بخریم و سکه دقینوس داشتند، یکی از آن‌ها گفت چند وقت است که خوابیدیم؟ دیگری گفت: «لَيْثًا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ»، ما در اینجا شاید یک روز یا یک نصفه روز خوابیدیم، ۳۰۰ سال به نظر او یک نصف روز می‌آمد یعنی آن امد بعید برای او یک نصف روز تجلی یافته است.

همچنین آن فردی که پنج دقیقه خوابیده است، ممکن است هزار سال را در خواب دیده باشد. این فرد در خواب است و اصحاب کهف هم در خواب بودند. کسی که چشم شهودش بینا باشد، حتی پیش از خواب در یک طرفه العین و یک چشم به هم زدن می‌تواند ازل و ابد را ببیند. اولیاء خدا، انبیای بزرگ و عرفای بزرگ در یک طرفه العین نه تنها می‌توانند ازل و ابد و حتی مکان را ببینند، بلکه می‌توانند مکان را در نوردند.

هنگامی که تخت بلقیس در نزد حضرت سلیمان(ع) حاضر می‌شود، زمان و مکان در نور دیده می‌شود. «يَوْمَ تَطُوى السَّمَاءُ كَطَيِّ السَّجِلِ لِلْكِتَابِ»، البته این آیه در توصیف قیامت است، اما قیامت بیرون از این عالم نیست و در هستی است، قیامت، هم اکنون برای برخی از افراد وجود دارد و اگر چشم شهود انسان باز باشد، در همین لحظه قیامت را می‌بیند.

نطوی السماء یعنی اینکه تمام آسمان‌ها و کرات در هم پیچیده و کوچک می‌شود این نطوی در زمان هم صادق است و برای یک شخص عارف «نطوی الزمان فی لحظه واحده» به وضوح می‌پیوندد و ممکن است که خداوند، کل زمان ازل تا ابد را منطوی بسازد و در هم بیچد و در یک لحظه به یک فردی نشان داده شود. چنانچه در جام جهان‌نما، یک لحظه نگاه می‌کردند، تلفن همراه هم شاید یک نمونه نه چندان کامل این مسأله باشد که شما می‌توانید از راه دور ارتباط برقرار کنید و در یک لحظه می‌توانید گذشته و حتی آینده را ببینید.